

8 مارس روز جهانی زنان

هشتم ماه مارس روز جهانی زنان

شیرین جزایری رادیو آلمان - جمعه 15 اسفند 1382 - 5 مارس 2004

هر ساله در روز هشتم ماه مارس میلیون ها زن و مرد در کشورهای مختلف روز جهانی زن را گرامی می دارند. علیرغم نزدیک به صد سال مبارزه پیگیر برای برقراری حقوق مساوی برای زنان در زمینه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و غیره هنوز تبعیض علیه آنان در همه این عرصه ها و در تقریباً تمامی کشورهای جهان به اجرا درمی آید.

تاریخ روز جهانی زن هم زمان تاریخ مبارزه سیاسی و اجتماعی علیه تبعیض است. این روز روز همبستگی برای مبارزه در راه برابری حقوق و شرایط بهتر کاری و زندگی زنان است. انتخاب تاریخ روز هشتم ماه مارس به عنوان روز جهانی زن به خاطره مبارزه زنان کارگر نساجی در سال ۱۸۵۷ در شهر نیویورک آمریکا برمی گردد.

شرایط کاری سخت و غیر انسانی و دستمزد کم کارگران زن که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم همراه با مردان در کشورهای صنعتی وارد بازار کار شده بودند، آنان را وادار به اعتراض و مبارزه صنفی به شکل های سازمان یافته و یا غیر متمرکز علیه این بی عدالتی می کرد.

در این روز کارگران نساجی زن در یک کارخانه بزرگ پوشاک برای اعتراض علیه شرایط بسیار سخت کاری و وضعیت اقتصادیشان دست به اعتصاب زدند. خاطره این اعتصاب برای کارگران نساجی باقی ماند. نارضایتی عمومی از این شرایط برای زنان کارگر ادامه داشت.

در هشتم مارس سال ۱۹۰۸، بعد از گذشت بیش از پنجاه سال کارگران زن کارخانه نساجی کتان در شهر نیویورک با خاطره اعتصاب در این روز، به دلیل تبعیض و محرومیت و فشار زیاد کار در مقابل حقوق بسیار کم اعتصاب خود را شروع کردند. صاحب این کارخانه به همراه نگهبانان برای جلوگیری از همبستگی کارگران دیگر بخش ها با این اعتصاب و سرایت آن به بخش های دیگر این زنان را در محل کار خود در کارخانه محبوس کرد. به دلایل ناشناخته ای آتش در کارخانه در گرفت و فقط تعداد کمی از کارگران زن محبوس توانستند خود را نجات دهند. ۱۲۹ کارگر زن در آتش سوختند.

روز هشتم ماه مارس بر پایه سنتی مبارزه کارگران زن علیه شرایط سخت کاریشان در خاطره ها ماند. در سال های بعد در کشورهای مختلف اروپایی و آمریکا مبارزه زنان به شکل تظاهرات و اعتصاب کاری علیه فشار، تبعیض و استثمار کاری و همینطور برای داشتن برابری حقوق در اجتماع و علیه جنگ ادامه پیدا کرد.

از جمله یکی از مهمترین مدافعان حقوق زنان در کشور آلمان خانم کلارا زتکین (۱۹۲۳_۱۸۵۷) خواست های مبارزان زن در آلمان را مبنی بر هشت ساعت کار در روز برای زنان همینطور حق داشتن تعطیلات و مرخصی زایمان و برابری حقوق در مقابل قانون مطرح کرد.

در اروپا دومین کنفرانس سوسیالیستی بین المللی زنان که در آن صد شرکت کننده از هفده کشور جهان شرکت داشتند، به پیشنهاد کلارا زتکین در ۲۷ اگوست سال ۱۹۱۰ در کپنهاگ روز هشتم ماه مارس به عنوان روز زن و برای دفاع از حقوق آنان در مقابل تبعیضات مختلف و چند جانبه برگزیده شد. اولین روز جهانی زن در ماه مارس ۱۹۱۱ در دانمارک، آلمان، اتریش، سوئیس و آمریکا برگزار شد. میلیون ها زن در برگزاری این روز شرکت کردند. خواست های اساسی زنان عبارت بودند از قوانین حمایت کننده کار برای زنان، حق رای و شرکت در انتخابات، علیه جنگ های امپریالیستی، برابری مزد با مردان در مقابل کار مساوی، هشت ساعت کار در روز، حمایت از مادر و کودک، تعیین حداقل مزد. به دلیل بحران عمومی اقتصادی جهان در سال های سی و در همین ارتباط خطر فاشیسم مسائل مبارزاتی زنان در حاشیه قرار گرفت.

در فاصله دو جنگ جهانی علاوه بر موضوعات قبلی حق قانونی سقط جنین و حمایت از مادران نیز از اهمیت خاصی برخوردار شد. این مبارزه به یک حرکت بزرگ تبدیل شد به دلیل بحران اقتصادی که در آن زمان تمام اروپا را در بر گرفته بود، سالانه حدود یک میلیون زن وادار به سقط جنین می شدند. به دنبال آثار منفی این سقط جنین های غیر قانونی در سال ۱۹۳۱ تنها در آلمان حدود ۴۴۰۰۰ زن به مرگ رسیدند.

از طرف دیگر مسئله برابری مزد در مقابل کار برابر، کوتاه کردن ساعات کار، پایین آوردن قیمت اجناس و غیره نیاز خواست های زنان بودند. خواست هایی که برای امروز ما هم غریبه نیستند. با روی کار آمدن حکومت دیکتاتوری فاشیستی در کشور آلمان و ممنوع کردن هرگونه تشکل مخالف امکان برگزاری این روز غیر ممکن گردید.

با وجود اینکه در این سال ها مبارزان حقوق زنان تاکید زیادی روی وضعیت اقتصادی زنان و فشارها و تبعیض در محیط کار بر آنان داشتند و کمتر به بافت مردانه و پیچیده جامعه پرداخت می شد، ولی زنان مبارز از کشورهای مختلف خواست های خود برای رفع تبعیض در خانواده و کار تربیتی زنان را نیز مطرح کرده بودند .

بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای اروپای شرقی جشن روز زنان در سال ۱۹۴۶ دوباره برگزار شد. در این کشورها روز زن به عنوان جشن رسمی و از طریق دولتی نیز به دلیل نشان دادن تمایلات حکومت به بهبود وضع زنان گرامی داشته می شد.

در کشورهای اروپای غربی در ابتدا بعد از جنگ هیچ برنامه ای در ارتباط با روز زنان برگزار نمی شد. بعدها این روز به عنوان روز مبارزه برای خواست های عمومی زنان و روز خانواده و جشن عمومی زنان تبدیل شد .

در سال های هشتاد بود که در این کشورها روز هشتم مارس باز هم اهمیت و معنی خاصی پیدا کرد. دوباره موضوعاتی مانند برابری حقوق زنان در تمام عرصه های زندگی، حق سقط جنین، رفع تبعیض در زندگی خانوادگی و حمایت از مادران در دوران حاملگی و بعد از زایمان مورد توجه قرار گرفتند. یکی از نقاط اوج این اعتراضات در سال ۱۹۹۴ روز اعتصاب زنان بود که بیش از یک میلیون زن در سراسر آلمان علیه تبعیض و نابرابری در حقوق زنان در آن شرکت کردند .

امروزه بزرگداشت این روز در تقریباً تمامی کشورها به عنوان روز اعتراض عمومی به اجحاف و فشار بر روی زنان و هم چنین تحلیل از کسانی که این مبارزه را شروع کردند و برای دگرگونی و بهبود وضع زنان تلاش ورزیدند، برگزار می شود.

در طی دو قرن گذشته پیشرفت ها برای به رسمیت شناختن و قبول حقوق اولیه و انسانی زنان اندک نبوده. در اکثر کشورهای جهان حق رای زنان و شرکت آنان در فعالیت های سیاسی و اجتماعی به رسمیت شناخته شده است. با وجود این راه طولانی برای انجام واقعی این خواست ها در پیش است. زنان هنوز در موارد زیادی در خانواده، در اجتماع و یا در محیط کار مورد خشونت قرار می گیرند. قوانین زن ستیز در بسیاری از کشورها عمل می کنند. برای نیروی کار زنان در مقابل کار مساوی با مردان هنوز حتی در کشورهای صنعتی کمتر پرداخت می شود، درآمد نسبی زنان در همه کشورها بسیار پایین تر از مردان است.

آنان از امکانات آموزشی و بهداشتی به مراتب کمتری برخوردارند. سه چهارم بیسوادان در سطح جهان را زنان تشکیل می دهند. اکثر آوارگان و پناهنگان جنگی زنانند. تازه در دو ماه پیش بود که در کشور ترکیه کشتن زنان تحت نام قتل ناموسی به عنوان جرم قتل شناخته شد. تعیین پوشش معین برای زنان، اجبار به حجاب و یا بی حجابی، قاچاق و خرید و فروش زنان، سوءاستفاده جنسی از آنان و غیره و غیره از نمونه اجحافات آشکار علیه حقوق زنان هستند که امروزه بطور عادی و در همه جا اجرا می شوند .

از تاریخ برگزاری اولین روز زن ۹۳ سال می گذرد. اما هنوز هم دلایل زیادی وجود دارد که به عنوان زن و یا مدافع حقوق زنان در این روز از خواست های اولیه آنان در سراسر جهان به پشتیبانی برخیزیم .

در آستانه روز جهانی زن در ایران

کیواندخت قهاری- رادیو آلمان - جمعه 15 اسفند 1382 - 5 مارس 2004

در آستانه ۸ مارس، هجدهم اسفند، روز جهانی زن ، قرار داریم. هر سال در هشتم ماه مارس میلیونها زن و مرد در سراسر دنیا، همچنانکه در ایران، روز جهانی زن را جشن می گیرند و علیه تبعیضهایی اعتراض می کنند، که به دختران و زنان روا داشته می شوند.

امسال سازمانهای حقوق بشری چون سازمان عفو بین الملل و نیز سازمانهای بین المللی مدافع حقوق زنان شعار خود را "خشونت علیه زنان را متوقف کنید" قرار داده اند و در روز ۸ مارس با فعالیتهای گوناگون خود این شعار را با صدایی رساتر به گوش جهانیان خواهند رساند.

زنان ایران نیز در سالهای اخیر فعالیتهای خود را برای مقابله با خشونت علیه زنان گسترش داده اند. در کانون بحثها و فعالیتهای امسال آنان نیز موضوع خشونت علیه زنان نشست است. گروههای مختلفی در ایران گرد شعار "زنان و مردان علیه خشونت تا ۸ مارس" که از شهریور ماه ۱۳۸۲ آغاز گشت بسیج و سازماندهی شدند.

در هفته جاری گروهی از سازمانهای غیردولتی مشترکا اطلاعیه ای را به مناسبت روز جهانی زن منتشر کردند. امضاکنندگان این اطلاعیه عبارت اند از: مرکز فرهنگی زنان، کانون هستیا اندیش، موسسه تحقیقی رشدیه، انجمن پیشگامان صلح، موسسه فرهنگی پندار، جمعیت ایرانمهر، جامعه فرهنگی دانشجویی دانشگاه تهران و انجمن مستقل زنان اند. در این اطلاعیه از جمله آمده است: "خشونت علیه زنان در حوزه خصوصی و عمومی امری فراگیر است و ما هنوز در حال طرح "وجود" آن هستیم. ما معتقدیم خشونت هایی که بر زنان در خانه و خیابان اعمال می شوند از یکدیگر جدایی ناپذیرند. اگر معضلی به نام دختران فراری وجود دارد، اگر فحشا رواج یافته، اگر زن کشی و حتی شوهرکشی وجود دارد همه اینها نتیجه نوع زندگی خصوصی و اجتماعی ماست."

در پایان این اطلاعیه زنان و مردانی که به حذف هر گونه خشونت علیه زنان باور دارند فراخوانده شده اند که در روز دوشنبه ۸ مارس در تجمعی که به مناسبت روز جهانی زن در آمفی تئاتر روباز پارك لاله

برگزار می شود گرد هم آیند و علیه خشونت طلبان سراسر جهان اعتراض کنند.

طرح جدید عفو بین الملل برای جلوگیری از خشونت علیه زنان جهان.

الیزابت بلانت گزارشگر بی بی سی - جمعه 15 اسفند 1382 - 5 مارس 2004

عفو بین الملل: خشونت علیه زنان در جریان جنگ های مسلحانه باید بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گیرد

عفو بین الملل برای مبارزه با خشونت علیه زنان، معضلی که آن را غده سرطانی همه جوامع می خواند، دست به ابتکاری جدید زده است.

این گروه مدافع حقوق بشر می گوید هیچ کشوری در جهان نتوانسته از زن در مقابل خشونتی که بر وی در خانه و توسط خانواده روا می شود، محافظت کند.

عفو بین الملل همچنین تلاش دارد با به اجرا درآوردن طرح جدید خود، باعث شود موضوع خشونت علیه زنان در جریان جنگ های مسلحانه، بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

خشونت علیه زنان غالباً در پشت درهای بسته رخ می دهد یا چون معمولاً موضوع تجاوز جنسی در میان است، احساس شرم باعث شده، پنهان باقی بماند.

اما ما می دانیم در همه جای دنیا علیه زنان خشونت می شود و این روند به طور هشدار دهنده ای رایج است.

عفو بین الملل در گزارش تازه خود در این زمینه بیشتر به موضوع خشونت علیه زنان در خانه و توسط خانواده توجه کرده است.

کتک زدن زن توسط شوهر یا دوست پسر، بد رفتاری و آزار خشونت آمیز دخترانی که حاضر به ازدواج اجباری نشده و یا گمان می رود حیثیت خانواده را زیر سوال برده اند، از جمله انواع خشونت هایی است که در خانه و توسط خانواده علیه زن اعمال می شود.

عفو بین الملل از کشورهای جهان خواسته تا به تعهدات قانونی خود عمل کنند و بپذیرند که خشونت علیه زنان یک موضوع خصوصی خانوادگی نیست بلکه حمله خشونت آمیز است که زنان را باید در مقابل آن محافظت کرد.

دیگر موضوع اصلی در طرح جدید عفو بین الملل، خشونت علیه زنان در زمان جنگ است.

تجاوز جنسی زنان در زمان جنگ، یک حربه جنگی به حساب می آید که نه فقط علیه آنان بلکه علیه پدران و همسران آنان نیز استفاده می شود.

عفو بین الملل در گزارش خود، به ویژه از این که این زنان دو بار قربانی جنگ می شوند ابراز خشم کرده است: یک بار قربانی تجاوز جنسی و بعد ننگ اجتماعی که در پی آن گریبانگیر آنها و فرزندان آنها می شود.

نتیجه تجاوز صاحب آنها شده اند، می شود.

خشونت علیه زنان در کشورهای غربی

بی بی سی - جمعه 15 اسفند 1382 - 5 مارس 2004

بنا بر یک نظرسنجی در بریتانیا از هر سه مراجعه کننده زن به بخش اورژانس بیمارستان ها در این کشور، یکی در اثر خشونت خانوادگی آسیب دیده است.

ارقام ارائه شده توسط سازمان خیریه "پناه"(Refuge)، حاکی از آن است که از هر چهار زن بریتانیایی یکی در طول عمر خود کتک خورده است.

همچنین از هر ده زنی که در این نظرسنجی اذعان کرده که مورد خشونت همسر یا شریک زندگی خود قرار گرفته، یک نفر جان خود را در خطر می دیده است.

سازمان "پناه" این گونه نظرسنجی ها را مفید ارزیابی می کند و می گوید در حالی که در انگلستان و ویلز در هر هفته دو زن به دست شوهران فعلی یا سابق خود کشته می شوند گزارش هایی از این دست باعث خواهد شد خشونت خانوادگی موضوعی پنهانی باقی نماند و علنی شود.

پلیس لندن می گوید در هر ماه 7650 مورد از خشونت خانوادگی علیه زنان گزارش می شود که شامل هتاک، مضیقه مالی، منع از معاشرت با دوستان و فامیل، تجاوز جنسی و کتک می شود.

طرح جدید عفو بین الملل برای مبارزه با خشونت علیه زنان

عفو بین الملل، سازمان مدافع حقوق بشر، روز جمعه، 5 مارس، اجرای یک طرح جهانی را با عنوان "خشونت علیه زنان را پایان دهیم" آغاز کرده است.

این ابتکار جدید، که در آستانه روز جهانی زن (8 مارس) به مرحله اجرا در می آید، بیش از دیگر مظاهر خشونت علیه زنان به موضوع خشونت علیه آنان در زمان جنگ و در خانه توسط بستگان و نزدیکان می پردازد.

آنیکا فلنزیبورگ، مسئول امور مطبوعاتی عفو بین الملل در طرح منع خشونت علیه زنان این سازمان، می گوید: "زنان، صرفاً به این دلیل که زن هستند مورد خشونت قرار می گیرند. خشونت علیه زنان و دختران در جوامع غربی اشکال مختلفی دارد. تبعیض، کتک، سوء رفتارهای روانی، که می تواند به صورت تحقیر و سلب آزادی های فردی و حمله به عزت نفس آنان باشد، از جمله خشونت هایی است که عمدتاً بستگان نزدیک مانند شوهران علیه آنان اعمال می کنند."

او معتقد است در کشورهای غربی الگوی مشابهی از انواع خشونت علیه زنان و دختران وجود دارد: "خشونت علیه زنان عموماً پنهان است و بسیاری از زنان در این جوامع، از بیان آنچه بر آنها می گذرد،

شرم دارند و سکوت اختیار می کنند. تعداد بسیار کمی حاضرند درباره رفتار خشونت آمیزی که علیه آنان اعمال می شود، حرف بزنند. غالب نمونه هایی که از خشونت علیه زنان وجود دارد در خانه و توسط همسران و نزدیکان آنها صورت می گیرد.

خانم فلنزیبورگ حمایت قانون از زنان در غرب را در سال های اخیر بهتر ارزیابی می کند اما نقطه ضعف اصلی را در تشخیص علائم این خشونت ها می داند: "نظام قضائی در غرب خیلی از رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان را به رسمیت نمی شناسد. در حالی که زنان حق انتخاب چندانی ندارند و در ازای ترک همسر یا شریک زندگی خود - که تصمیمی بسیار دشوار است - راه دیگری در پیش رو نمی بینند و تعداد خانه های امن هم کم است، آموزش ها و گفتگوهای علنی در این باره باعث شده که دختران و زنان متوجه بشوند که مورد خشونت قرار گرفتن در خانه یک وضعیت عادی و توجیه پذیر نیست. حالا، در بسیاری از کشورهای غربی از جمله سوئد، که قوانین خوبی برای حمایت از زنان وضع شده است، دختران بیش از پیش می دانند که تقصیر آنها یا مادرانشان نیست که مورد خشونت قرار می گیرند."

مسئول امور مطبوعاتی عفو بین الملل در رابطه با طرح منع خشونت علیه زنان می گوید: "خشونت علیه زنان بزرگترین رسوائی حقوق بشر در عصر جدید است. این معضل فراگیر و شامل تمام فرهنگها، ادیان، جوامع فقیر و غنی می شود. سازمان عفو بین الملل بر این باور است که خشونت علیه زنان ممکن است معضلی جهانی باشد اما چاره دارد و می توانیم آن را متوقف کنیم."

خانم فلنزیبورگ بازنگری قوانین کشورهای را از اولین راه های مبارزه با خشونت علیه زنان می داند: "نقاط ضعف قانونی باید آشکار و رفع شود. باید دولت ها تحت فشار گذاشته شوند تا قوانین را عوض کنند. اما در سطوحی پائین تر و با همکاری سازمان های غیردولتی باید به زنان و همینطور مردان آگاهی داده شود. حضور و نقش مردان در مبارزه با خشونت علیه زنان اساسی است. مردان هم باید وادار شوند سکوت خود را بشکنند."

در سال 1977 میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد از کشورهای جهان خواست تا طبق سنن و رسوم تاریخی و ملی خود، یک روز از سال را به عنوان روز سازمان ملل برای حقوق زنان و صلح جهانی اختصاص دهند.

از کشورها در سراسر جهان خواسته شد شرایطی را فراهم کنند که تمام اشکال تبعیض علیه زنان متوقف شود و آنها نیز بتوانند با حقوقی برابر با مردان در توسعه اجتماعی به طور کامل مشارکت داشته باشند.

این اقدام سازمان ملل در آستانه سال جهانی زن (1975 میلادی) و دهه سازمان ملل برای زنان (1976 تا 1985)، که از سوی مجمع عمومی اعلام شده بود، صورت گرفت.

سازمان ملل متحد نظارت بر روز جهانی زن، هشتم مارس، را از سال 1975 آغاز کرده است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد همچنین بیست و پنجم نوامبر را روز جهانی منع خشونت علیه زنان اعلام کرد و از تمام دولت های جهان، سازمان های بین المللی و غیر دولتی دعوت کرد تا هر ساله در این روز برای افزایش آگاهی عمومی درباره این معضل اجتماعی طرح هایی را به اجرا درآورند.

نگاهی به برخی عوامل خشونت علیه زنان در ایران

مریم محبوب - جامعه شناس

پی پی سی - جمعه 15 اسفند 1382 - 5 مارس 2004

اعمال خشونت، که در جوامع سنتی رواج بیشتری دارد و در درجه اول زنان و کودکان قربانی آن هستند، پیش از هر چیز به ساختارهای مبتنی بر مردسالاری بر می گردد. نظامی که سلطه مردسالارانه را به رسمیت می شناسد، به پدر اجازه می دهد که خود را مالک فرزندان و حاکم بر سرنوشت آنها بداند، و خواست و منیت خود را بر آنها تحمیل کند. در فشار و اعمال خشونت بر زنان، در مرحله اول نباید تفاوت های جسمی و طبیعی میان دو جنس را از نظر دور داشت.

سوخت و ساز بدن زن به گونه ای است که انرژی کسب شده را ذخیره و به تدریج مصرف می کند، در نتیجه زنان عموماً تاب و توان بیشتری دارند و این را در تحمل دشواری های زندگی به روشنی نشان می دهند. از سوی دیگر بدن مردان انرژی کسب شده را یکباره به مصرف می رساند، از این رو مردان عموماً از قدرت بدنی بیشتری برخوردارند.

اگرچه این تفاوت طبیعی میان مردان و زنان دلیل برتری یکی بر دیگری نیست، ولی در دوران هایی که تهیه خوراک به نیروی بدنی فراوانی نیاز داشت، سبب برتری موقعیت اجتماعی مردان شد و تسلط آنها را بر نهاد خانواده تضمین نمود.

امروزه با پیشرفت ابزار تولید دیگر چندان نیازی به قدرت بدنی نیست، با وجود این فرهنگ کهن مردسالاری در جامعه مدرن و صنعتی نیز بر اذهان و عادات همچنان مسلط است. تا امروز در بیشتر جوامع (حتی در جوامع پیشرفته) واژه مرد هنوز با "انسان" و "آدم" مترادف است و زن خارج از دایره بشری انگاشته می شود! اطلاق واژه هایی مانند "منزل" به زن، به گونه ای تلویحی حق تملک مردان را نسبت به همسرانشان القا می کند. متأسفانه بسیاری از زنانی که با چنین فرهنگی بار آمده اند، در تداوم این سنت ناروا نقش داشته و دارند.

در این میان، ضرب و شتم و شکنجه که گاه منجر به نقص عضو و حتی مرگ می گردد، بدوی ترین نوع خشونت است که هرچند فراوان روی می دهد، ولی فقط اندکی از آن از پرده بیرون می افتد. در جوامع سنتی این نوع خشونت غیرانسانی نه تنها قابل پیگرد نیست، حتی قبیح و نکوهیده نیز شمرده نمی شود. گویی مرد از حقوق و اختیارات حقه خود استفاده کرده است!

ماجرای سربریدن دخترک هفت ساله ای در جنوب ایران توسط پدریه سبب ظن تجاوز دایمی دختر بچه به او، یا آتش زدن دختری توسط برادرانش به علت آشنایی با پسری بیگانه، که با وجود اعتراضات عمومی، مسیبتانش در پناه تعصب های کور و سنت های قومی و قوانین فقهی قابل تفسیر، از مجازات رستند، تنها مشتی از خروار است.

قوانین قضایی در ایران، که بیشتر بر مسائل فقهی استوارند، مبهم و تفسیرپذیر و نسبت به زنان تبعیض آمیزند.

علاوه بر آن هر قاضی بنا به برداشت خود و با توجه به سنن محلی و قومی، ماده قانونی را تفسیر و حکم صادر می کند.

معتقدات دینی با رسوم و سنت های اجتماعی و باورهای قومی در ارتباطی تنگاتنگ هستند. درآمیختگی سنت با مذهب چنان است که به دشواری قابل تفکیک هستند و این دو زیربنای فرهنگ جامعه را تشکیل می دهند.

اگرچه بسیاری از دستاوردهای حقوقی و اجتماعی زنان پس از انقلاب از میان رفت، اما بسیاری از خانواده های سنتی و مذهبی، که پیش از انقلاب به خاطر ناسالم دانستن محیط های آموزشی و اجتماعی مانع از اشتغال و تحصیل دختران و زنان خود می شدند، با روی کار آمدن حکومت دینی، تغییر رویه دادند و زنان و دختران حضور بیشتری در اجتماع پیدا کردند.

در مقابل اما فعالیت های هنری، ورزشی، تفریحی محدود و یگانه روزه تکاپوی سالم زنان و دختران، مطالعه و تحصیل شد.

امروز قریب شصت در صد پذیرفته شدگان دانشگاه ها در ایران را زنان تشکیل می دهند و این امر به ارتقای سطح دانش و آگاهی زنان انجامیده است.

پس از دوم خرداد 1376، با گشایشی که در باب آزادی های اجتماعی پدید آمد، نشریات و روزنامه ها هم در این زمینه نقش موثری ایفا کردند.

سن ازدواج در میان زنان تحصیل کرده بالا رفت و تلاش برای تغییر قوانین تبعیض آمیز فزونی گرفت. سازمان های غیر دولتی جوانه زد و بیش از پنجاه سازمان غیر دولتی حول محور کودکان، صلح، محیط زیست، زنان و غیره ایجاد شد که بیشتر فعالانشان را زنان تشکیل می دهند.

اما با وجود تحولات مثبت در این زمینه همچنان برای زنان به جان آمده از جور همسر، ترک خانواده، حتی خانواده ای که در آن ابتدایی ترین حقوق انسانی پامال می شود، بهایی بس سنگین به دنبال دارد.

نبود منابع حمایتی کافی در ایران باعث می شود که زن به ستوه آمده از خشونت همسر، حتی اگر جرات ترک کردن او را داشته باشد معمولاً جایی برای پناه بردن به آن ندارد.

فرهنگ ایرانی حتی بیان خشونت علیه زن را، به ویژه اگر خشونت جنسی باشد، یک ننگ می داند و عموماً قربانی را وادار به سکوت می کند.

تنها با برنامه های درازمدت به ویژه از طریق متحول ساختن قوانین و نظام آموزشی می توان ریشه های ستبر فرهنگ خشونت گرا را خشکاند.

در خواست همکاری مدیر کل یونسکو برای روز جهانی زن از رسانه ها جمعه 15 اسفند 1382 - 5 مارس 2004

مدیر کل یونسکو برای پوشش مناسب خبری در روز جهانی زن از رسانه ها درخواست همکاری کرد. به گزارش سرویس اجتماعی ایلنا، به نقل از یونسکو، برای بهتر برگزار شدن روز جهانی زن، هشتم مارس و ارزش دادن به زنان حرفه ای ژورنالیست، کوچیروماتسورا، مدیر کل یونیسف از رسانه های سراسر جهان خواست پوشش خبری مناسبی برای این روز داشته باشند. در همین راستا یونسکو بدنبال توجه بیشتر به زنان ژورنالیست و زنان گوینده رسانه ای است.

یونسکو خواستار برابری زنان و مردان در رسانه ها شده است که این برابری بخشی از اقدامات برابری جنسی در جوامع است.

با وجود سابقه بیش از صد ساله ژورنالیسم، نسبت حضور زنان در این حرفه راضی کننده نیست. تعداد زنان ژورنالیست هم اکنون يك سوم جمعیت ژورنالیست را تشکیل می دهند که در روزنامه ها، مجلات، رسانه های آن لاین و شبکه های پخش فعالیت می کنند.

پایان پیام

رویدادهای مهم بین المللی و منطقه ای موثر بر تحولات ایران

افتتاح کنگره سالانه خلق در چین

راديو آلمان - جمعه 15 اسفند 1382 - 5 مارس 2004

کنگره خلق چین امروز گشایش یافت. نخست وزیر جمهوری خلق چین، Wen Jiabao ضمن اعلام شروع کار این کنگره خواستار توجه بیشتر به تحول و عمران مناطق روستایی در این کشور شد. گفته میشود که شکاف درآمد و رفاه بین ساکنان شهرها و روستاهای چین بشدت افزایش یافته است. از اینرو نخست وزیر چین بر تحول هماهنگ اقتصادی این سرزمین پر جمعیت تاکید ورزید و همزمان خواستار صرف سرمایه بیشتر برای بهسازی وضعیت زیستی مردم روستاها شد.

باید خاطر نشان ساخت که ناآرامی در مناطق روستایی چین در حال افزایش مستمر است و درست بر بستر این ناخرسندی عمومی در مناطق روستایی است که نخست وزیر جمهوری خلق چین به ۹۰۰ میلیون شهروند ساکن این مناطق قول داده است که از طریق اعمال مزیتها مالی، افزایش سرمایه گذاری و کاهش عوارض اقدام به بهبود وضعیت زیستی آنان بکند. نخست وزیر جمهوری خلق چین Wen Jiabao در سخنان افتتاحیه خود خطاب به نمایندگان حاضر در کنگره خلق چین گفت:

”پرداختن به حل مشکلات اقتصاد کشاورزی در کشور و حل مشکلات روستاها و دهقانان از اولویت تام و تمام در برنامه کار ما برخوردار است.“ وی به پدیده رشد اقتصادی در کشور چین اشاره کرده و عنوان نمود که اکنون هدف ما نمیایست دستیابی به افزایش نرخ رشد اقتصادی به هر قیمتی باشد. اکنون ما میبایست به جنبه های اجتماعی این رشد اقتصادی توجه نماییم. باید خاطر نشان ساخت که هدف مسئولان دولتی جمهوری خلق چین ظرف سالیان گذشته همانا افزایش شتاب رشد اقتصادی در این کشور بوده است.

این نخستین باری است که Wen Jiabao کنگره سالانه خلق چین را افتتاح میکند. از زمان زمامداری وی در این مقام اکنون يك سال میگذرد. وی در آغاز سخنرانی خود به ۳۰۰۰ نماینده حاضر در این کنگره تعظیم نمود و آنگاه برنامه کار دولت را عرضه کرد. وی گفت:

”حل مشکلات دهقانان و ساکنین روستاهای کشور از ارجحیت کامل در برنامه دولت برخوردار است. در شرایط کنونی تحولات در اقتصاد کشاورزی چین بار دیگر دستخوش بحران شده است.“ دولت چین اعلام کرده است که در سال جاری ۱۵ میلیارد یورو در اقتصاد کشاورزی کشور سرمایه گذاری خواهد کرد. اختصاص چنین مبلغی به اقتصاد کشاورزی و روستاهای کشور در تاریخ جمهوری خلق چین بیسابقه بوده است. از آن گذشته قرار است که بهای حیوانات در روستاها با در نظر گرفتن یارانه های دولتی کاهش یابد. نخست وزیر جمهوری خلق چین بر آن است تا با ساده کردن سیاست پرداخت عوارض و مالیاتها، از فشارهای مالی دهقانان و ساکنان روستاهای آن کشور بکاهد.

وی گفت: ”ما میبایست برنامه اصلاحات مربوط به سیاست مالیاتی و پرداخت عوارض در مناطق روستایی را کماکان ادامه دهیم. میبایست مالیات بر دخانیات و مالیات مربوط به برخی دیگر از فرآورده های کشاورزی حذف شوند. از این طریق سالانه ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون Yuan از میزان فشارهای مالی روستاهیان کاسته خواهد شد. مالیات بر اقتصاد کشاورزی از امسال، سالانه به میزان يك درصد کاهش خواهد یافت و ظرف ۵ سال به کلی قطع خواهد شد.“

لازم به تذکر است که افزایش ناخرسندی و موج نارضایتی در مناطق روستایی باعث نگران مسئولان دولتی جمهوری خلق چین شده است و حتی برخی نگرانی ثبات سیاسی کشور هستند.

برخی از رویدادهای مهم ایران

گزارش کامل ایلنا از مراسم بزرگداشت دکتر محمد مصدق
جمعه 15 اسفند 1382 - 5 مارس 2004

مراسم سالگرد درگذشت دکتر محمد مصدق؛ نخست وزیر ملی گرای ایران صبح دیروز در احمدآباد در کنار مزار وی با حضور جمعی از علاقمندان و دوستداران وی و همچنین اعضای نهضت آزادی ایران، جبهه ملی و حزب ملت ایران و تعدادی از فعالان ملی- مذهبی در آرامش کامل برگزار شد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری کار ایران، ایلنا، در ابتدای این مراسم که امنیت آن از سوی نیروی انتظامی و امنیتی به خوبی برگزار شد، دکتر محمود مصدق نوه مرحوم مصدق ضمن خوش آمدگویی و تشکر از میهمانان این مراسم به اقدام ثبت ساختمان احمدآباد و مزار مرحوم دکتر محمد مصدق در سازمان میراث فرهنگی اشاره کرد و با اعلام این مطلب که آمادگی پذیرش کمک های مردمی جهت تعمیر و بازسازی این مبانی تاریخی وجود دارد از علاقه مندان به دکتر مصدق خواست تا در این امر کمک نمایند.

گفتنی است در این مراسم تعدادی از دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت معلم و تهران و اعضای دفتر تحکیم وحدت نیز حضور داشتند.

مهندس حسین شاه ویسی از اعضای حزب ملت ایران در مراسم سالگرد درگذشت دکتر محمد مصدق با ذکر این نکته که ما این جا جمع شده ایم تا از بزرگ مردی یاد آوریم که دوست و دشمن او را با

عناوینی چون آموزگار خردمند، رهبر جبهه ملی، پیر احمدآباد و ... نام برده‌اند؛ اظهار داشت: از مصدق گفتن به راستی تاریخ را ورق زدن است و عشق به قهرمانان این وطن در واقع عشق به وطن است. وی در ادامه با تأکید بر اینکه دکتر مصدق جامعه فروخته ایران را که در زیر سلطه ستم خمیده بود به تکاپو برانگیخت، گفت: اسطوره‌ها در او به هم پیوند خورده است و به همین خاطر دشمنان آزادی از او و خاطره ماندنی‌اش هراس دارند.

عضو حزب ملت ایران در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اینکه دکتر مصدق 69 سال بی‌امان با پلیدی و پلشتی مبارزه کرد و در هر مقامی که قرار گرفت از خطر نهراسید، گفت: مصدق آفت استبداد بود و همه فلسفه سیاسی وی به گرد آرمانهای ملی و آزادیخواهانه شکل گرفت. شاه ویسی با یادآوری اینکه در خیزش مشروطیت، آرمانهای مردم‌گرای و آزادی و ترقی پیروزی شدند، گفت: پیروزی آرمانهای مشروطه خواهان گرچه دوام نیافت ولی برای همیشه ایران را دگرگون کرد و نگذاشت ایران بیش از این ویران گردد و مصدق در چنین شرایطی پا به حیات گذاشت.

وی افزود: مصدق بر این باور بود که لازمه حیات مردمی در یک پیشینه بازسیاسی ایثار و شجاعت نهفته است و نه آن که به زور جنجال‌ها و هیاهوهای تبلیغاتی حاصل شود. شاه ویسی در ادامه گفت: مصدق باور داشت مردم به درستی می‌توانند خدمتگزار خود را تشخیص دهند و به همین منظور بارزترین ویژگی خود را در امر رهبری ارتباط بی‌واسطه و صادقانه با مردم می‌دانست و هرگز از مقام و منصب خود در جهت اعمال نفوذ ثروت اندوزی بهره نگرفت و به هنگام حکمرانی، نظارت و نمایندگی مردم یا زمانی که عهده‌دار نخست‌وزیری بود، از دریافت حقوق خودداری کرد و هر هدیه‌ای را که دریافت نمود آن را به دولت واگذار نمود.

عضو حزب ملت ایران در ادامه اظهار داشت: دست مایه حرکت مصدق شیوه‌ای است ایرانی، چرا که مصدق در فرآیندی که به حرکت درآورد و آن را آموزاند؛ نشان داد مشروعبیت نظام خود کامه متکی به بیگانگان هرگز دوام نخواهد داشت، او به درستی نشان داد استبدادی که از مردم بریده به بیگانه پناه می‌برد، باید بدانند دل بستن به بیگانگان مقدمه زوال است.

شاه ویسی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به سخنان دکتر مصدق که می‌گفت: جهانیان سخن کسانی را می‌شنوند که ارزش شنیدن داشته باشد، اظهار داشت: لازمه توسعه آزادی و امنیت است و ایرانیان به رغم سرخوردگی‌ها پیای همواره در راه دموکراسی گام برداشته‌اند. عضو حزب ملت ایران با اینکه سایه بلند مصدق چه در دوران زندان و چه در دوران تبعید با مبارزان راه آزادی پیوند خورده است، گفت: در برابر همه مشکلات، تنگناهای فزاینده سیاسی و اجتماعی که گریبانگیر ایران است، تنها راه‌حل شرکت نخبگان گروه‌های اجتماعی و برگزیدگان ملت در سیستم‌های تصمیم‌گیری است.

وی در پایان سخنانی خود با اشاره به اینکه گذر از این دوران پرخطر بار دیگر همبستگی ملی را می‌طلبد، اظهار داشت: امیدوارم رهنمودهای مصدق بزرگ بار دیگر زمینه‌ساز یگانگی‌مان شود و همه ما را به زیر یک شعار فراگیر که جز طلب کردن مردم سالاری واقعی نیست، گردآورد. علیرضا رجایی گفت: دو عنصر اساسی اندیشه مصدق که همان حق قانونگذاری از طریق انتخابات آزاد و تأسیس یک دولت مقید و به تعبیر امروزی پاسخگو همچنان موضوع و دستورکار سیاسی در ایران است و به همین جهت است که می‌توان گفت مصدق زنده است و ما مجبوریم راجع مصدق صحبت کنیم و اینها صرفاً یک بزرگداشت ساده از او نیست، بلکه مساله و دغدغه مبتلا به امروز ماست. به گزارش خبرنگار خبرگزاری کار ایرانی در مراسم گرامی داشت سالروز درگذشت دکتر مصدق، علیرضا رجایی در سخنانی با اشاره به اینکه دکتر مصدق نیز مانند سایر شخصیت‌های برجسته سیاسی ایران دارای جاذبه‌ها و دافعه‌های ویژه خود است، گفت: من قصد دارم در سخنان خود به میراث مصدق اشاره کنم و این میراث را صرف نظر از اسطوره پردازی‌ها و قهرمان سازی‌ها بررسی کنم. چرا که مصدق تنها یک فرد عادی نیست.

عضو انجمن دفاع از آزادی مطبوعات افزود: مصدق حاصل جمع مبارزات ملت ایران پس از مشروطه است و او علیرغم تمامی تعارضات و تضادهایی که در متن این مبارزه قرار داشته است از خود یک شی اجتماعی و یک رویه اخلاقی به جا گذاشته است که می‌توان آنها را میراث مصدق نامید. علیرضا رجایی تصریح کرد: برای من به عنوان یکی از اعضای نسل انقلاب در سال 57 هیچگاه مشخص نشد که چرا شخصیت مصدق همواره محل مناقشات مختلف بوده است؟ به گونه‌ای که گویا هنوز یک شخصیت زنده و یک لیدر سیاسی فعال است، تفسیر تاریخ در ایران معاصر در وضع فعلی بخشی از گفتمان قدرت در ایران است؛ و نمی‌توان به راحتی معترض آن شد و هر تفسیری از آن ارائه کرد و مضمون از آسیب‌های احتمالی ماند.

وی در ادامه با تأکید اینکه تلاش خواهد کرد که میراث مصدق را چه به عنوان یک شی اجتماعی و چه از جهت یک شی اخلاقی بررسی کند و اظهار داشت: در بعد اجتماعی مشروط ساختن قدرت سیاسی پروژه اصلی مرحوم مصدق بود که این پروژه دو وجه اساسی است. اول آنکه در حوزه قانونگذاری معتقد به حق قانونگذاری مردم از طریق پارلمان و به روش انتخابات آزاد است. وی در ادامه افزود: پروژه مشروطیت معتقد است که مردم علی‌الاصول حق قانونگذاری دارند و این حق قانونگذاری باید از طریق انتخابات و پارلمان اعمال شود.

وي در ادامه با تشریح وجه دوم دیدگاه‌های دکتر مصدق گفت: وجه دوم عبارت است از تاسیس دولت مشروط و مقید، پروژه مشروطیت به دنبال تاسیس دولتی که دیگر دولت قاهره نیست بلکه مشروط به آراء و اراده آزاد مردم است.

عضو انجمن دفاع از آزادی مطبوعات با یادآوری اینکه مخالفت با این دو وجه از ابتدای جنبش مشروطیت سرانجام منجر به استبداد دوره رضاشاه شد، گفت: مخالفان این پروژه که همان پارلمان و مقیدکردن قدرت سیاسی است در زمان دکتر مصدق به دو دسته تقسیم می‌شدند. نخست دربار به عنوان نماینده طبقات اشرافی - سنتی و کلاسیک ایران و دیگری دستگاه ایدئولوژیکی که در مجاورت سلطنت پیوسته وجود داشته و در مقابل با سلطه و استعمار خارجی با دکتر مصدق اختلاف پیدا کرده بود. این فعال ملی - مذهبی با تأکید بر اینکه آزادی انتخابات یکی از شعارها اساسی و مرکزی دکتر مصدق بود، گفت: آزادی انتخابات معمولاً این دو گروه را مورد هدف قرار می‌داد.

وي در ادامه افزود: به اعتقاد من نهضت ملی ایران و رهبری دکتر مصدق موفق شد تا آنجایی که به زمینه استبداد داخلی بر می‌گردد در مقابل مقاومت این دو نیرو پیروز شود و آن دستگاه ایدئولوژیکی که عملاً در مقابل نهضت مشروطه خواهی ایرانیان بود را مهار کند.

دکتر رجایی در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر اینکه شالوده اقتصادی ایران که همان صنعت نفت و کنترل بر آن در دست نیروهای بیگانه قرار داشت؛ گفت: مصدق به خوبی می‌دانست تا زمانی که این شالوده اقتصادی برقرار است، طبیعتاً تزلزل نسبی دربار و نیروهای مخالف پروژه دولت مقید و مشروط هر لحظه ممکن است مجدداً قدرت بیشتر و اوضاع موجود را از بین ببرند و فضای قبلی را برگرداند.

وي در ادامه افزود: در آن زمانی هیچ چاره‌ای وجود نداشت برای اینکه مشروطیت ایران به عنوان تقید در نظام سیاسی و مبارزه با مطلق بودن نظام سیاسی پایدار بماند، باید شالوده اقتصادی در اختیار مردم قرار بگیرد.

رجایی گفت: مصدق فهمید که اگر قرار است مردم بر سرنوشت سیاسی - اجتماعی خود تسلط داشته باشند، لاجرم باید بر اداره و مدیریت اقتصادی خود نیز مسلط شوند. عضو انجمن دفاع از آزادی مطبوعات در ادامه با اشاره به برخی از انتقادات طرح شده علیه دکتر مصدق مبنی بر چپ روی و اینکه نهضت ملی ایران نمی‌بایست تا این حد در زمان دکتر مصدق تند روی می‌کرد گفت: آنها می‌گویند نهضت ملی ایران در آن زمان توان مقابله با قدرت‌های بزرگ را نداشته و دکتر مصدق می‌بایست در آن مقطع تاریخی با نیروهای بزرگ مسلط بر اقتصاد ایران مماشات می‌کرد، ولی توجه به این ندارند که نقشه مصدق نقشه بزرگتر و کلی‌تری بود. مصدق به هیچ وجه تنها قصد ملی‌کردن صنعت نفت و یا بدست آوردن امتیاز نسبی از شرکت‌های خارجی و انگلیسی نبود، بلکه در ذهن او يك پروژه وسیع‌تری وجود داشت به نام تاسیس دولت مقید در ایران که این پروژه بدون ایجاد طبقات ملی و بدون اعمال سلطه ملی بر منابع ملی امکان پذیر نبود و هرگونه انعطاف در حوزه ملی شدن صنعت نفت و کوتاه آمدن در زمینه مختارکردن حاکمیت مردم بر منابع ملی اخلاقی در این نهضت اساسی به وجود می‌آورد.

دکتر رجایی در ادامه با تأکید بر اینکه مصدق به هیچ وجه اشتباه نکرد، افزود: استقلال ناگزیر پروژه مصدق و ملی کرد صنعت نفت ناگزیر پی‌ریزی مشروطیت بود و این اتفاق بود که در متن جامعه ایران به تدریج جوش خورد و سرانجام به نهضت ملی شدن صنعت نفت انجامید. علیرضا رجایی در ادامه با اشاره به اینکه مصدق در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت سمت و سویی يك دموکراسی اجتماعی پیدا کرد، گفت: مصدق به جهت اینکه بتواند در مقابل نیروهای مخالفی که در برابر نهضت ملی کردن صنعت نفت قرار داشتند پیروز شود ناگزیر بود که يك دموکراسی اجتماعی به وجود آورد.

وي در ادامه افزود: منشأ اخلاقی مصدق نیز همین حکم را می‌کرد. چراکه مصدق اخلاقاً فردی مردمگرا بود.

این روزنامه نگار در ادامه با تشریح فضای جنبشی شکل گرفته بر نهضت ملی کردن نفت، گفت: ساختارهایی که در نهضت ملی کردن نفت شکل گرفته بود، طبیعتاً به يك بسیج اجتماعی نیاز داشت که منجر به يك شکل‌گیری جنبش شد.

وي با تشریح فضاهای جنبشی و توصیف اینکه فضاهای جنبشی فضاهای پایداری و مستمری نیستند، گفت: دقیقاً همین نکته قوت جنبشی بودن حرکت مصدق، بعدها به نقطه ضعف وي تبدیل شد. یعنی همان چیزی که در جریان نهضت اصلاح طلبی از دوم خرداد 76 تاکنون پیش آمد. چراکه مردمی که در جنبش شرکت می‌کنند، هیچگاه بصورت يك حزب استمرار ندارند و حاضر نیستند همه زندگی خود را وقف يك مبارزه سیاسی کنند.

وي در ادامه افزود: شاید مشکل مصدق این بود که جریان قوی تشکیلاتی او را حمایت نمی‌کرد و طبیعتاً این فضای جنبشی فضای موقتی بود که به تدریج روبه سردی گذاشت.

علیرضا رجایی در پایان با اشاره به منش شخص مصدق گفت: اهمیت استمرار مصدق در این بود که آنچه او در عرصه سیاسی و اجتماعی انجام می‌داد در رفتار شخصی وي نیز عملی می‌شد. وي در ادامه با یادآوری اینکه دکتر مصدق در دوره نمایندگی به ملاقات رضا شاه نمی‌رفت و گمان بر این بود که او به لحاظ شخصی با رضاشاه ملاقات نمی‌کند، اظهار داشت: مصدق معتقد بود که نماینده در

اجرای وظایف نمایندگی‌اش آزاد است و هیچ کس نباید او را مجبور به انجام کاری نماید؛ حتی اگر این فرد عالی‌ترین مقام نظام سیاسی باشد.

ادیب برومند در مراسم سالگرد درگذشت دکتر مصدق به سخنرانی پرداخت. به گزارش خبرنگار خبرگزاری کار ایران ایلنا در این مراسم ادیب برومند از اعضای جبهه ملی ایران با اشاره به اینکه مصدق از شمار مردان بزرگی است که هر روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود گفت: ما نه قصد بت‌سازی از مصدق را داریم و نه سخنانش را قانون می‌شماریم، بلکه احترام او به قانون و توجه وی به افکار عمومی و علاقه وی به ایران و مصالح ملی است که ما را به پاسداشت و احترام به او برانگیخته است.

وی در ادامه افزود: آنچه مصدق را به مقام يك قهرمان ملی راستین رسانده است نخست پنجه در افکندن او با امپراتوری بریتانیا و طرد نیرنگ بازی‌های استعماری از جهت سیاسی و دیگر بیرون آوردن ثروت ملی ایرانیان از چنگ بیگانگان به لحاظ اقتصادی بود. همین دو هدف کافی است تا تاریخ معاصر به نام او ببالد و وی را در ردیف جاوید نامان کشور قرار دهد.

برومند در ادامه با تشریح شرایط سیاسی دوران نخست وزیری دکتر محمد مصدق اظهار داشت: مصدق از دو نوع قدرت برخوردار بود. نخست قدرت ملی که ناشی از پشتیبانی ملت بود و دیگر قدرت دولتی که در دست او قرار گرفت.

وی در ادامه افزود: مصدق به حاکمیت ملی و دموکراسی اعتقادی پا بر جا و استوار داشت و معتقد بود که استقلال کشور و رشد و توسعه ملی مدیون دموکراسی و انتخابات آزاد است. پایان پیام

مواضع رژیم و جناح‌های آن در مورد مهمترین تحولات ایران

هفت روز هفته با مطبوعات دوشیزگان دلربای سیاست!

رضا. ط. جلودارزاده- اعتماد - شنبه 16 اسفند 1382 - 6 مارس 2004

محافظه‌کاران پس از آنکه توانستند با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های قانونی، شبه قانونی فراقانونی و بسیج آتشبارهای رسانه‌یی وابسته، چتر هژمونیک خود را بر مجلس هفتم بگسترانند با آگراندیسمان کاستی‌ها و کمبودهای برجای مانده از گذشته، در قالب گفت‌وگوها، گزارش‌ها، تحلیل‌ها و تفاسیری پرحجم سعی کردند همه سنگ‌های گناه را تنها بر سر بینوایان حاکم بر مجلس ششم فرو بکوبند. بولدورهای رسانه‌یی محافظه‌کاران در این راه از فردای اعلام نتایج انتخابات تمامی هم و تلاش خود را به کار بستند تا ضمن آزاد و عادلانه خواندن انتخابات از نوع و مدل اول اسفند چون سنوات پیش همچنان به روند تهاجمی خود از طریق توپخانه‌های پیام‌رسان اهم از گفتاری، شنیداری، نمایشی و نوشتاری علیه اصلاح‌طلبان ادامه داده و حتی بر کیفیت و کمیت آن بیفزایند.

مع‌الوصف در حالی که روزنامه اصلاح‌طلب «شرق» پس از دو هفته توقیف بار دیگر بر پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها قرار گرفت و موجبات مسرت همکاران را فراهم کرد، دیگر روزنامه پرخواننده توقیف‌شده «یاس نو» فرجامی بهتر از تعیین زمان دادگاه در تاریخ 20 اسفندماه نیافت. به هر روی نشریات هر دو طیف اصلاح‌طلب و محافظه‌کار به کار خود ادامه دادند و به ارایه اخبار و گزارش‌های معمول پرداختند.

ممنوع‌الخروج‌های اصلاح‌طلب!

نخستین مطلب این هفته را باید در بست به يك هفته نامه جدیدالانتشار اختصاص داد که در نوع خود بدیع و شگفت‌انگیز است.

هفته‌نامه «عبرت‌های عاشورا» در خبری اعجاب‌انگیز نخستین نشریه‌یی از طیف محافظه‌کاران بود که قوی‌ترین بمب خبری را در فضای غبارآلود سیاسی منفجر کرد.

این هفته‌نامه با این عنوان که تعدادی از نمایندگان ردصلاحیت‌شده و عناصر افراطی دوم خرداد طی روزهای اخیر، خانواده‌های خود را از کشور خارج کرده‌اند، نوشت: براساس اخبار واصله، بهروز. الف (منظور بهروز افخمی)، فاطمه. ر (منظور فاطمه راکعی)، الهه. ک (منظور الهه کولایی)، فاطمه. ح (منظور فاطمه حقیقت‌جو)، محمد. ن (منظور محمد نعیمی‌پور) محمد. رضا. خ (منظور محمدرضا خاتمی)، بهزاد. ن (منظور بهزاد نبوی)، محسن. آ (منظور محسن آرمین)، محسن. م (منظور محسن میردامادی)، جملگی از نمایندگان مردم تهران و احمد. ش (منظور احمد شیرزاد)، رجب. م (منظور رجبعلی مزروعی) نمایندگان مردم اصفهان، رضای. ر (رضا یوسفیان)، جلیل. س (جلیل سازگارنژاد)، نمایندگان مردم شیراز و همچنین سعید. ح (سعید حجاریان) و مصطفی. ت (مصطفی تاجزاده) و... با فروش اموال و اعزام خانواده‌های خود به خارج، مقدمات خروج از کشور را فراهم کرده‌اند تا در صورت لزوم بتوانند از کشور خارج شوند!

«عبرت‌های عاشورا» همچنین مدعی شد که مسوولان امنیتی در حال پیگیری برای ممنوع‌الخروج کردن این افراد هستند!

هفته نامه «شما» (برگرفته از سه حرف اول، شهدای متلفه اسلامی) در واپسین شماره خود که با عنوان «شکست مثلث شرارت» بر پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها قرار گرفت در سرمقاله خود با اشاره به تحسن نمایندگان و در تحلیل پیروزی همفکران خود در انتخابات نوشت: آخرین پرده‌های نمایشی اصلاح‌طلبان، ثابت شد این نوع کارها در نگاه ملت و نخبگان خردورز سیاسی، نوعی پرده‌های نمایشی بیش نیست.

ارگان مولفه سپس از قول دبیر کل حزب متبوعش چنین آورده است: همه دلسوزان باید تلاش کنند تا پایان مجلس ششم ختم به خیر شود!
هفته نامه فوق همچنین نوشت: رای مردم در شرایطی به صندوقها ریخته شد که نفوذی‌های دشمن در خانه ملت لانه کرده بودند...

مشیت و تپیا
همزمان عصرنامه «کیهان» با انتشار مقاله‌ی بی‌از علی مطهری (که در روزنامه سیاست روز هم منتشر شد) مدعی شد: در طی شش سالی که از عمر جریان اصلاح‌طلبی می‌گذرد بارها انقلابیون راستین هشدار داده بودند که این جریان مرموز با اهداف انقلاب اسلامی سازگار نیست و درصدد تغییر مسیر این انقلاب به سوی غرب است...!
لیدر رسانه‌ی راستگرایان در یادداشت دیگری با عنوان «مجلس ششم هرگز تکرار نمی‌شود» با حمله به اصلاح‌طلبان مجلس نوشت: مشیت و تپیا جانانه‌ی که ملت ایران به دشمنانش زد بر صورت و پشت همین حضرات پیدا است. آنها در اردوگاه جبهه تحریم و تخریب انتخابات چه می‌کردند که این مشیت و لگدها را خورده‌اند؟!
«کیهان» در ادامه این مطلب خطاب به اصلاح‌طلبان آورده است: شما برای پسند و کف و سوت بیگانه، حاضر شدید هست و نیست مملکت را به آتش بکشید. این ورشکستگان به گونه‌ی حرف می‌زنند که گویی دوشیزگان دلریای سیاستند و مردم آنها را نمی‌شناسند و اگر رد صلاحیت نشده بودند چه هیجان اجتماعی برمی‌انگیختند! در همین راستا در حالی که روزنامه «توسعه» از قول آیت‌الله احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان آورده بود: ما از این انتخابات راضی هستیم، ما به مجلس هفتم کمک می‌کنیم! روزنامه «صدای عدالت» با درج خبری از زبان سیدرضا زواره‌ی دیگر عضو شورای نگهبان با حمله به احزاب دوم خرداد یادآور شد: در دو دوره دولت هاشمی رفسنجانی و خاتمی دو حزب دولتی کارگزاران و مشارکت تشکیل شد که نشان داد این احزاب بادکنکی هستند و وقتی قدرت را از دست بدهند، کنار می‌روند!

روزنامه «رسالت» وابسته به محافظه‌کاران سنتگرا در یادداشتی به قلم تئوریسین نام‌آشنای خود، امیر محبیان با طرح این ادعا که «پیروزی یکصد پدر دارد و شکست یتیم است» نوشت: متأسفانه دوستان جناح اقلیت (دوم خردادی‌ها!) در قبال پدیده اول اسفند و نزول جایگاه آنان از اکثریت به اقلیت به جای تحلیل واقعیت‌های عینی می‌کوشند به فرافکنی روی آورده و اولین حرکت آنها برای جعل علل سقوط، تهاجم به خاتمی و مقصدانستن او است. در ادامه مطلب فوق آمده است: متأسفانه بخشی از جناح اقلیت (منظور جبهه دوم خرداد!) گویی هنوز در نیافته است که عامل این کاهش آرا دوری از منش خاتمی و روی آوردن به منش افراطی‌گری بود.

روزنامه «جام جم» نیز از جبهه محافظه‌کاران با اشاره به سخنان روسای دولت آمریکا و انگلیس در مورد انتخابات نوشت: برخورد انتقادآمیز بوش و بلر با نتایج انتخابات مجلس هفتم در ایران نشان می‌دهد که آنها نیز به دموکراسی همچون آنتونی گیدنز (جامعه‌شناس انگلیسی) می‌نگرند. از نظر آنان این انتخابات فاقد اعتبار است چرا که به پیروزی گروهی که آنها مایل بودند پیروز شوند، نینجامیده است.
درنده‌خویی سیاسی

نشریات وابسته به جریان محافظه‌کاران در حالی که برخی از اظهارنظرهای همفکران نام‌آشنای خود را نظیر اظهارات غلامعلی حداد عادل که گفته بود: «اگر لازم باشد به مجلس نمایندگان آمریکا پیام می‌دهیم.» سانسور می‌کردند، در برخی موارد حتی ناچار به واکنش شدند.
محمد رضا باهنر کاراکتر برجسته جناح راست که از کرمان به مجلس هفتم راه یافته است با مصاحبه‌ی که با «بی.بی.سی» انجام داده بود بشدت مورد سرزنش همفکران رسانه‌ی خود قرار گرفت تا جایی که هفته نامه «عبرت‌های عاشورا» در این باره مدعی شد: این مصاحبه با واکنش منفی و اعتراض امت حزب‌الله روبرو شده است!

روزنامه راستگرای «جمهوری اسلامی» نیز برای عقب‌نماندن از قافله تهاجمی همفکران خود با تقبیح سخنان ماشاءالله شمس‌الواعظین از چهره‌های معروف روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با خبرنگاری ایرنا نوشت: خبرگزاری جمهوری اسلامی از قول همین شخص که از محکومین مطبوعاتی است در یک اهانت آشکار به ارکان نظام مدعی شد مجلس ششم آخرین دوره پارلمانی در ایران محسوب می‌شود و پس از این، مجلس‌های آینده مشورتی خواهند بود و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز نقش مجلس سنا را ایفا خواهد کرد.

«جمهوری اسلامی» سپس با برجسته‌کردن سخنانی از چندتن از فاتحان مجلس هفتم نظیر محمد خوش‌چهره که موفق به کسب حداکثر 8 درصد از آرای مردم تهران شد، نوشت: متأسفانه در گذشته کسانی منافع ملی را به خطر انداختند و با حرکاتی که بیشتر به نوعی درنده‌خویی سیاسی شبیه بود منافع و مصالح ملی را خدشه‌دار نمودند!

همزمان و در حالی که روزنامه اصلاح‌طلب «ایران» از قول بهزاد نبوی، نایب رییس مجلس ششم تأکید می‌کرد از برنامه‌های شادآور و مذاکره محافظه‌کاران با آمریکا استقبال می‌کنیم، دیگر روزنامه اصلاح‌طلب «آفتاب یزد» در یادداشتی با عنوان «دیگر کسی نگران نیست؟!» نوشت: احمد توکلی که پس از پایان رقابت با سید محمد خاتمی در خرداد 80 عدم شرکت 33 درصد از واجدان شرایط 14 میلیون نفر را پیامی آشکار برای دست‌اندرکاران کشور می‌دانست امروز در حوزه انتخابیه خود (تهران) که فقط 33 درصد از مردم در انتخابات شرکت کرده‌اند لزوم توجه به پیام مردم را مورد تأکید قرار نمی‌دهند.

روزنامه‌هایی هم که در سال 78 عدم شرکت 14 میلیون نفر در انتخابات را نگران‌کننده و تامل‌برانگیز می‌خواندند امروز از عدم شرکت 23 میلیون نفر در انتخابات نگران نشده‌اند! «آفتاب یزد» در ادامه یادآوری کرد: چرا باید محافظه‌کاران در شرایطی قرار گیرند که عدم شرکت مردم در انتخابات دغدغه‌ی را بر نیانگیزاند...؟! شاید هم عده‌ی فکر می‌کنند که آن 33 درصدی که در انتخابات ریاست جمهوری سال 80 شرکت نکرده‌اند و 30 درصد از آنانی که در انتخابات مجلس ششم، شهروندان درجه یک و مستحق هرگونه دلسوزی

و 49 درصد مردم در سراسر کشور و 67 درصد از مردم تهران که در انتخابات اخیر حاضر نشدند، شهروندان درجه چندم، بطوری که حتی نامی نباید از آنها به میان آورد! روزنامه «مردم‌سالاری» نیز از طیف اصلاح‌طلبان یادآور شد: استراتژی محافظه‌کاران نابودی نظام را در پی دارد هر چند تاکتیک آنها حفظ نظام است. این روزنامه در ادامه نوشت: سرنوشت محافظه‌کاران در کشور تاریک است هرچند که تکلیف آنها روشن خواهد بود و در مقابل سرنوشت اصلاح‌طلبان روشن، ولی تکلیف آنها تاریک است.

«مردم‌سالاری» همچنین از قول مصطفی ایزدی تاکید کرد: محافظه‌کاران هیچ‌کدام از اصلاح‌طلبان را پس از ترک مجلس، نه در قوه مجریه و نه در هیچ یک از حوزه‌های فرهنگی و تبلیغی رسمی راه نمی‌دهند!

در همین حال روزنامه وابسته به گروه موسوم به «آبادگران»، «همشهری»، با برجسته کردن اظهارات هاشمی رفسنجانی خطیب نمازجمعه تهران از زبان وی نوشت: «امریکایی‌ها می‌خواستند یا کسانی که آنها مایلند به مجلس بروند یا انتخابات برگزار نشود اما مردم این توطئه را خنثی کردند.» انحراف و جریان تنگ‌نظر

در حالی که روزنامه کم‌تیراژ «جوان» لجستیک رسانه‌ی نیروی مقاومت بسیج در سلسله مطالبی به قلم یکی از اعضای آن نیرو با عنوان «رفتارشناسی تحریم‌کنندگان انتخابات و واکنش مردم» از آن به عنوان انحراف در مسیر انقلاب و ایجاد چالش در اهداف و آمال آن یاد می‌کرد، روزنامه پرتیراژ «ایران» با انتشار قسمت‌هایی از بیانیه جبهه دوم خرداد درباره نتایج انتخابات مجلس هفتم نوشت: عدم مشارکت حدود 50 درصد مردم در کل کشور و نیز عدم مشارکت نزدیک به 70 درصد مردم در شهرهای بزرگ و مجامع سیاسی کشور، افتخاری است که جریان‌های تنگ‌نظر و ضداصلاحات برای نظام به ارمغان آورده‌اند.

روزنامه اصلاح‌طلب «ایران» در ادامه آورده است: ما علی‌الاطلاق، نتیجه انتخابات را برآمده از انتخابات آزاد، عادلانه و رقابتی نمی‌دانیم و بر این اساس ماهیتا مفهوم جریان پیروز و جریان شکست‌خورده از مسابقه انتخابات قابل مصداق‌یابی نیست.

همزمان روزنامه «همبستگی» نیز با درج بخش‌هایی از بیانیه تحلیلی سازمان مجاهدین انقلاب نوشت: علی‌رغم ردصلاحیت‌ها و حذف‌ها و تبلیغات کاذب و پررجم و استفاده از نیروهای سازمان یافته، آرای محافظه‌کاران مطابق آنچه که اصلاح‌طلبان پیش‌بینی می‌کردند کمتر یا حداکثر به اندازه دوره گذشته بود.

بیانیه منتشره در روزنامه فوق در ادامه تاکید کرد: بر فرض سلامت روند رای‌گیری و صحت شمارش آرا در شعبه‌های اخذ رای، درست‌ی پیش‌بینی اصلاح‌طلبان مبنی بر اینکه پایگاه محافظه‌کاران بین 10 درصد تا 15 درصد جامعه است به اثبات رسید و از این رو مسوولیت تشکیل مجلسی با پشتوانه کمتر از 10 درصد آرای شهروندان برعهده قدرت‌طلبان بریده از مردمی است که حفظ قدرت و تسلط بر نهادهای انتخابی را به هر قیمت و با هر هزینه‌ی در دستور کار خود قرار داده‌اند.

سرکوب و نقض حقوق بشر توسط رژیم حاکم بر ایران

محمدباقر باطنی: صحبت‌ها در مورد تحول وضعیت زندانیان سیاسی فقط حرف بود و عملی نشد
جمعه 15 اسفند 1382 - 5 مارس 2004

محمدباقر باطنی گفت: صحبت‌هایی قبلاً در دادستانی در مورد تحول وضعیت زندانیان سیاسی صورت گرفته بود که فقط حرف بود و عملی نشد.

پدر احمد باطنی در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری کار ایران، ایلنا، در مورد وضعیت او گفت: علیرغم اینکه روحیه پسرم بسیار خوب است اما به خاطر فشارهای اخیر دچار ضعف اعصاب شده است به همین جهت نامه‌ای از طرف پزشکی قانونی برای تقاضای مرخصی به دادستانی و زندان اوین داده‌ام. ضمناً نامه‌ای هم از طرف دانشگاه برای تقاضای مرخصی برای انتخاب واحد پسرم داده‌ام که هنوز نمی‌دانم با آن موافقت شود یا نه.

محمدباقر باطنی خاطر نشان کرد: بارها از دستگاه قضایی درخواست رسیدگی به پرونده پسرم را کرده‌ایم اما تقاضای ما بی‌فایده است، چون هیچ جوابی نمی‌دهند، مرخصی پسرم تاکنون تنها 2 روز بوده است.

پایان پیام

رویدادهای عراق، دولت آینده و نیروهای موثر در آینده عراق

در پی اعتراض اعضای شیعه شورای حکومتی عراق، امضای قانون اساسی موقت عراق به تأخیر افتاد
راديو امريكا - جمعه 15 اسفند 1382 - 5 مارس 2004

مراسم امضای قانون اساسی موقت عراق در پی اعتراض آخرین لحظه ۵ عضو شیعه شورای حکومتی به تأخیر افتاده است. آنها به دو ماده قانون اعتراض دارند، یکی به ترکیب ریاست جمهوری مربوط است و دیگری آنکه اجازه می دهد قانون اساسی دائمی در صورتی که سه استان با آن مخالفت کنند وتو شود. سیاستمداران شیعه نگران آن هستند که این موضوع نفوذی ناروا به تعداد کم رأی دهندگان در استان های کرد نشین و محل سکونت اهل تسنن بدهد.

اعضای شیعه شورا همچنین درخواست خود را برای یک شورای ریاست جمهوری با ۵ عضو، که سه کرسی آن در اختیار شیعیان قرار داشته باشد، تکرار کردند. در قانون اساسی موقت که روز دوشنبه در پی بحث های طولانی در میان ۲۵ عضو شورای حاکم به تصویب رسید، یک رئیس جمهوری واحد با دو معاون در نظر گرفته شده است. باگذشت چندین ساعت از زمان تعیین شده ، هنوز معلوم نیست که قانون اساسی موقت عراق چه وقت امضاء خواهد شد.

سخنگوی پال برمر، مدیر آمریکائی امور غیر نظامی عراق به تلویزیون سی ان ان گفت ۲۵ عضو شورای حکومتی انتصابی آمریکا در باره چگونگی برطرف ساختن این اختلاف نظر بحث می کنند. قانون اساسی موقت روز دوشنبه پس از بحثی طولانی در شورای حکومتی تصویب شد.

مراسم امضای قانون اساسی موقت جدید عراق، که قرار بود روز جمعه (5 مارس) برگزار شود، به تأخیر افتاده است.

بي بي سي - جمعه 15 اسفند 1382 - 5 مارس 2004

گزارش ها از بغداد حاکی از آن است که پنج عضو شیعه شورای حکومتی عراق، که از پشتیبانی آمریکا برخوردار است، در جلسه ای که به منظور بازخوانی نسخه نهایی این سند و قبل از امضای آن برگزار شده بود، حاضر نشده اند.

بنا به یکی از این گزارش ها دلیل عدم مشارکت آنها در این جلسه، مبهم بودن قانون اساسی جدید در مورد موضوع ریاست بر عراق بوده است.

قرار بود مذاکرات طاقت فرسا در مورد تنظیم پیش نویس قانون اساسی جدید در اوایل هفته ای که گذشت، به نتیجه برسد و ظاهراً پل برمر، سرپرست تشکیلات آمریکایی اداره امور عراق، از شنیدن خبر تأخیر در مراسم امضای این سند به شدت خشمگین شده است.

آمریکا، پایان ماه ژوئن سال جاری میلادی را برای تفویض قدرت به خود عراقی ها تعیین کرده و تصویب قانون اساسی موقت، به عنوان پایه و اساسی برای این نقل و انتقال مهم است.

با این حال، گزارشگر بی بی سی در بغداد می گوید پیش نویس قانون اساسی روشن نکرده است که کدام هیئت عراقی قرار است قدرت را از آمریکا تحویل بگیرد.

انتظار نمی رود اعتبار این قانون اساسی موقت بیش از دو سال باشد. پارلمان جدید عراق، که در آینده از طریق انتخابات سراسری تشکیل خواهد شد، موظف به تنظیم و تصویب قانون اساسی دائمی این کشور خواهد بود.

پنج تن از اعضای شیعه شورای حکومت انتقالی عراق مخالفتشان را با بخش هایی از قانون اساسی موقت این کشور اعلام کردند.

جمعه 15 اسفند 1382 - 5 مارس 2004

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از خبرگزاری آسوشیندپرس، محمد بحر العلوم، سید عبدالعزیز حکیم و موفق الربیعی از جمله اعضای شیعه شورای حکومت انتقالی اند که به دلیل مخالفت با آنچه که در خصوص اعطای امتیازهایی به کردها و نیز شیوهی ریاست جمهوری عراق خوانده اند، از امضای قانون اساسی موقت عراق که قرار بود امروز (جمعه) تأیید شود، خودداری کرده اند.

بر اساس یکی از بندهای قانون اساسی موقت عراق که مورد مخالفت اعضای شیعه شورای حکومت انتقالی قرار گرفته است، اگر دو سوم از عراقی ها در هر استانی با قانون اساسی دایمی مخالفت کنند، این قانون اجرایی نخواهد شد و با توجه به این که سه استان کردنشین شمال عراق از جمعیت اندکی برخوردارند، به همین دلیل نمایندگان شیعه شورای حکومت انتقالی اعلام کرده اند که این سه استان کردنشین نباید درباره ی 25 میلیون عراقی تصمیم گیری کنند.

اعتراض دیگر اعضای شیعه شورای حکومت انتقالی درباره ی چگونگی انتخاب رییس جمهور عراق است؛ بر اساس قانون اساسی موقت عراق رییس جمهور يك نفر خواهد بود و دو معاون داشته، گروه های شیعه خواهان آن هستند که ریاست جمهوری به صورت دوره یی و این گونه باشد که سه بار شیعیان، یکبار کردها و یکبار سنی ها عهده دار این مقام گردند.

گزارش شده است، پل برمر، حاکم آمریکایی عراق و اعضای شورای حکومت انتقالی در حال حاضر پشت درهای بسته تشکیل جلسه داده اند و این امکان وجود دارد که اختلافات موجود طرف چند ساعت آینده حل و فصل شود یا رسیدگی به این امر به روزهای آتی موکول گردد.

انتهای پیام

تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه های جمعی

هفته نامه های ایران: 15 اسفند

بی بی سی - جمعه 15 اسفند 1382 - 5 مارس 2004

برنامه مجلس هفتم، سرنوشت اصلاح طلبان، دلیل انصراف نامزدهای شاخص موتلفه، کشف توطئه انفجار قطار در تهران، انفجارهای عراق و تشکیل یاوران پارک ها عناوین اصلی هفته نامه های تهران است.

صدا با چاپ گزارشی به بررسی شعارهای محافظه کاران در انتخابات مجلس هفتم پرداخته و تیتراژ زده است "آیا ایران، زاپین می شود" اشاره **صدا** به سخنان غلامعلی حداد عادل نفر اول انتخابات مجلس هفتم از تهران است که گفته بود ایران را زاپین اسلامی می کنیم.

صدا برنامه پیشنهادی محافظه کاران برای تبدیل ایران به یک کشور پیشرفته و توسعه یافته را تلاشی از سوی یک گروه تازه به قدرت رسیده برای جلب آرا افکار عمومی عنوان کرده و نوشته: "محافظه کاران در طول سال های اخیر به عنوان یک نیروی مانع توسعه شناخته شده اند و به طور جدی به بازسازی وجهه خود در میان مردم نیازمندند."

صدا می نویسد: "محافظه کاران توسعه را تنها در مسیرهای اقتصادی آن پیگیری خواهند کرد و با فاصله گذاشتن میان حوزه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه، بر خواسته های اجتماعی برای توسعه و آزادی های سیاسی سرپوش خواهند گذاشت."

صدا در صفحه اول خود کاریکاتوری از یک چوپه دار چاپ کرده که طناب به گردن قلمی انداخته شده است و زیر پای قلم صندوق رای قرار دارد.

امید جوان نیز برنامه ائتلاف آبادگران را بررسی و آن را با کارگزاران سازندگی که در مجلس پنجم شکل گرفت، مقایسه کرده است.

به نوشته **امید جوان** هر دو گروه بر عمران و آبادی تاکید دارند اما کارگزاران خواهان توسعه بودند در حالی که آبادگران می کوشند خود را در ذیل گفتمان عدالت تعریف کنند.

به عقیده نویسندگان، سال آینده قطعا در تبلیغات رسمی حول محور عدالت سخن ها و موضع گیری های فراوانی را شاهد خواهیم بود اما این تاکید بر عدالت به جای آن اصلاح طلبان را نگران کند می تواند ناخرسندی سنت گرایان را در پی داشته باشد. چون اصلاح طلبان به اعتبار پیشینه چپ و عدالت طلبی وارد عرصه سیاست شده اند و با این واژه آشنا ترند.

یالنارات ارگان انصار حزب الله در سرمقاله این شماره با حمله به اصلاح طلبان آنها را متهم کرده که به نفاق دامن زده اند و اکنون باید بر اساس تکلیف الهی با برخورد قهر آمیز ریشه ها و شاخ و برگ این شجره خبیثه را قطع کرد.

یالنارات در مقاله ای دیگری نوشته: احکام دین خدا می گوید در مورد کسانی که خیانتی و جرمی مرتکب شده و موجبات تفرقه و ضرر و زیان را فراهم کرده اند اظهار ترحم نکنید و حدود الهی را اجرا کنید که در اجرای حدود خدا هیچ رفتی پذیرفته نیست.

سرمقاله نویس **یالنارات** به محمد خاتمی رئیس جمهوری حمله کرده و نوشته: ما را چه حاجت به جامعه مدنی که پیام آور غریبگرای آن، کفر خود را با مدینه النبی ابراز می دارد. آقای خاتمی اول بار اصطلاح جامعه مدنی را به کار برد اما با افزایش فشار محافظه کاران توضیح داد که منظورش مدینه النبی بوده است.

عبرت های عاشورا نشریه وابسته به انصار حزب الله از قول یکی از خوانندگان از قوه قضاییه خواسته است نمایندگان مستعفی مجلس را بلافاصله دستگیر و مجازات کند.

پرتو سخن نیز خطاب به مسئولان قضایی نوشته، افرادی را که در سخنرانی های خود نظام و انقلاب را تهدید کرده و روابط علنی و پشت پرده با دشمنان داشته اند، شناسایی و محاکمه کنند.

"آیا مجلس هفتم پیش از موعد تشکیل خواهد شد" عنوان سرمقاله این شماره **پرتو سخن** است که نمایندگان اصلاح طلب را از ایراد نطق های تند بر حذر داشته و نوشته نمایندگان بیش از این خود را نزد مردم منفور نکنند و به جای نطق های اهانت آمیز به جبران اشتباهات گذشته بپردازند و از مردم عذرخواهی کنند.

سرمقاله نویس **پرتو سخن** به مهدی کروبی رئیس مجلس پیشنهاد کرده جلوی ایراد نطق های اهانت آمیز را بگیرد و نگذارد وضعیتی پیش آید که مردم، مجلس هفتم را پیش از موعد تشکیل دهند.

شما ارگان حزب موتلفه اسلامی در سرمقاله این شماره دلیل انصراف از نامزدی سه نفر از اعضای این حزب را در انتخابات مجلس، برنامه ای عنوان کرده که در شورایی به نام شورای هماهنگی پیگیری می شده و موتلفه برای جلوگیری از آسیب به این هماهنگی، خود را کنار کشیده است.

این شورا که به نوشته **شما**، همه نیروهای انقلاب اسلامی در آن حضور داشتند با براه انداختن ائتلاف های محلی، استانی و کشوری با استراتژی چراغ خاموش برنامه های خود را پیش می بردند تا دشمن نتواند آن را شناسایی کند.

حبیب الله عسگر اولادی دبیر کل موتلفه، اسدالله بادامچیان و یحیی آل اسحاق اعضای شورای مرکزی این حزب، پیش از برگزاری انتخابات از نامزدی نمایندگی مجلس انصراف داده بودند.

شما در یادداشتی نتیجه انتخابات مجلس را فرصتی جدید برای خاتمی عنوان کرده و نوشته به این ترتیب رئیس جمهور از فشار دوم خرداد و به ویژه اصلاح طلبان نجات یافته است. **شما** برای آقای خاتمی دو راه پیشنهاد کرده با به اصلاح طلبان بپیوند و از مواضع آنها حمایت کند که در این صورت سرنوشت ایشان را با آنان گره خواهد خورد و یا با جبران گذشته راهی مستقل در پیش بگیرد تا در پایان دوره ریاست جمهوری نیز رکنی مفید و موثر در نظام اسلامی باشد. **عبیرت های های عاشورا** از کشف توطئه انفجار قطار حامل بنزین در تهران خبر داده که برای تحت الشعاع قراردادن انتخابات مجلس طراحی شده بود. به نوشته این نشریه، ساعاتی بعد از انفجار روز ۲۹ بهمن قطار در نیشابور، که بیش از ۷۰۰ کشته و مجروح برجای گذاشت، توطئه ای دیگری در مسیر قطار ورودی به تهران در حوالی شهریار در حال وقوع بود که با اقدام بسیجیان خنثی شده است. **ایران جمعه** در عنوان اصلی خود از کشته و زخمی شدن ۱۶۴ ایرانی در انفجارهای روز عاشورا در عراق خبر داده و به نقل از حسن کاظمی قمی کاردار ایران در عراق نوشته، در شهر کربلا ۴۹ نفر شهید و ۱۱۵ نفر مجروح شده اند اما به زائران ایرانی در شهر کاظمین آسیبی وارد نشده است. **همشهری جمعه** از تشکیل و استقرار گروهی از نیروهای بسیجی در پارک ها خبر داده که به زنده کردن فرهنگ اسلامی خواهند پرداخت. اولین گروه ۱۰۰ نفری یاوران پارک با هدف امر به معروف و نهی از منکر و ایجاد امنیت انتظامی در پارک های منطقه ۱۰ شهرداری تهران مستقر می شوند.

کوناگون

چرا از جناح راست بیرون آمدم؟
عباس کاکاوند، دبیر سابق واحد سیاسی جامعه اسلامی مهندسين و نویسنده سابق روزنامه رسالت
پنجشنبه 14 اسفند 1382 - 4 مارس 2004

بنام خدا

ان الذین یاکلون اموال الیتامی ظلما، انما یاکلون فی بطونهم نارا و سیصلون سعیرا
کسانی که اموال یتیمان را به ظلم می خورند، جز این نیست که شکمشان را از آتش می انبارند و به آتش سوزان جهنم درخواهند آمد. (سوره نساء، آیه 10)

چرا از جناح راست بیرون آمدم؟
روایت يك انحطاط

تحمل ظلم، خیلی آسان تر از تحمل ظالم بودن است.
آلبا دسس پدس

بیش از هر چیز، مایلم نوشته را با بیان این نکته آغاز کنم که اساسا کاربست مفهوم «جناح» در مورد تشکل های سیاسی محافظه کار نادرست بوده و در بهترین حالت ممکن می توان واژه «قبیله» را برای آنان به کار برد. تفسیر روابط، نوع تعاملات و گفتمان حاکم بر محافظه کاران، با رجوع و استناد به درونمایه هایی ممکن می شود که تنها در بین قبایل می توان یافت. از این رو، محافظه کاران بیش از آنکه به لحاظ سیاسی قابل مطالعه باشند شایسته بررسی های انسان شناسانه ای هستند که امروزه توسط باستان شناسان و مردم شناسان در میان قبایل دوردست، بازمانده از تاریخ و عقب مانده صورت می گیرد، قبایلی که در محیطی منزوی و دور از دسترس دیگران را تحت فشار و ظلم و ستم خود قرار می دهند. این چیزی است که کاملا در مورد راست ها صدق می کند و آنان تا کنون با زیرکی توانسته اند خود را از چشم باستان شناسان و مردم شناسان دور نگاه دارند!!
نگارنده با آنکه نزدیک به سه سال در این جناح به سر برد، اما اکنون که از آنان فاصله گرفته است، تعبیر «بریده» را در مورد خود هرگز صحیح نمی داند. درست بر عکس، این جناح راست و سران آن هستند که بریده اند، به آرمان های ادعایی خود پشت پا زده اند و در حالی که فاصله چندانی با پایان زندگی ندارند حریصانه و در اوج حقارت به تمتع و خوش گذرانی های دنیوی روی آورده و در این مسیر تمام مرزهای اخلاقی و انسانی را زیر پا نهاده اند.
حتی مشاهده شدیدترین و شنیع ترین انحرافات جنسی و اخلاقی در بین جناح راست، اینچنین مرا دچار شگفتی نمی ساختند. (تنها يك چیز دیگر مرا تا این حد شگفت زده ساخت: تعداد بی شمار و سرسام آور صندوق های صدقات در خیابان های تهران!) زیرا به گفته رومن گاری: «در قیاس با انحرافات فکری، علمی و سیاسی، کلیه انحرافات جنسی در نظرم یکسره بی اهمیت جلوه می کند. چون از هر چه بگذریم آنان تنها رختخواب ها را به لرزه در می آورند و نه جهان را.» در جناح راست، انحطاط و سقوط يك تفکر را مشاهده کردم که برای حفظ خود شرایط مصنوعی را بر فضای سیاسی حاکم ساخته و به هر کاری دست می زند، تفکری که نه سنتی است و نه مدرن.

اصولا صورتبندی جناح راست در قالب های سنتی یا مدرن نادرست و تلاشی است بیهوده. انتظار بزرگی است از کسانی که خود را در برتر و وراي هر چیز می دانسته و حتی قوانین ساده منطقی (2*2=4) را با توجه به خواست ها و تصورات ذهنی خود تغییر داده اند، بخواهیم به سنت یا مدرنیسم تن بدهند. باید این پیش فرض تکراری به دور انداخته شود که جناح راست را تابع سنت قلمداد می کند. شاید زمانی بسیار پیش از این می توانستیم آنان را سنتی و تابع آموزه های سنت قلمداد کنیم، اما امروزه آنان از سنت فقط به عنوان یک پوشش برای فریب توده ها استفاده می کنند. این واقعیت را کسانی بهتر متوجه می شوند که خارج از مرزها به تحولات سیاسی ایران می نگرند و دقیقا به همین دلیل است که نفوذ و اقتدار فراملی جناح راست بسیار سریع تر و زودتر از داخل در حال محو شدن است. آنان واقعیتی را نظاره کرده اند که افکار عمومی به تدریج در حال مشاهده کردن آن است. این چندگانگی، تلون و شلختگی فکری و رفتاری جناح راست، در سطح فرهنگی خود نوعی «ریاکاری» پیچیده و چند لایه را در بین آنان ریشه دوانیده است. هدف و غایت این ریاکاری، کسب توامان دنیا و آخرت است. جناح راست می خواهد و در سودای آن است که هر دو دنیا را به تسخیر خویش درآورد. دنیا به جای مزرعه آخرت، باید بهشت زمینی آنان باشد و بدیهی است این بهشت باید جهنمی را در کنار خویش داشته باشد! این سخن که آنان خود را به ترک دنیا، اجتناب از مال اندوزی و هوس های دنیوی توصیه می کردند امری است مربوط به گذشته که در آن گذشته تنها نقش یک کانون حسرت برانگیز را ایفا می کند که جبران آن بر حال و آینده سنگینی می کند. یک مسابقه ثروت اندوزی و خوش گذرانی در جناح راست راه افتاده که قربانی آن مردم ایران و ایتم و فقرا هستند. مثلا جالب است بدانید کسی که خود را مظهر ساده زیستی وانمود می کند، در شهرستان یک زندگی برای خود فراهم ساخته که از زمین تا آسمان با زندگی تهرانش متفاوت است. خانه او در تهران حتی فرش هم ندارد، اما در باغ هزار هکتاری پسته اش ویلایی در حال سر به فلک کشیدن است!

ریاکاری آنان پیامد ناگزیر تناقضی است که در تفکرشان وجود دارد. یک «نظام نمادین ریاکاری» ابداع کرده اند که در سه سطح عمل می کند:

1. سطح درونی و فردی: سران جناح راست عمیقا به تقوی و پرهیزگاری خود اعتقاد داشته و دروازه های بهشت را از هم اکنون پیش چشمان خود گشوده می بینند! مساله فقط این نیست که آنان از دیگران انتظار دارند ریاکاری شان را به رسمیت بشناسد، بلکه خود بیش از همه به چنین توهمی رسیده و در عین حال که به هر کاری دست می یازند، ذره ای تردید در تقوی و دیانت خویش ندارند. ساختار روانی آنان به گونه ای است که می تواند این تناقض و دوگانگی عظیم را هضم کند!
2. سطح بین فردی: مهم ترین انتظار سران جناح راست از اطرافیان خود به رسمیت شناختن و تایید این نظام نمادین است. از هم این روست که چاپلوسی و تملق مهم ترین کارویژه افرادی باید باشد که با این جناح در تعامل هستند. چاپلوسی معنای عمیقی دارد و آن این است که ما بپذیریم فرد مقابل از هر حیث میری از خطا بوده و پیشاپیش به هر گونه حرف و نظر او تن در دهیم. چاپلوسی یعنی در درون شبکه نظام نمادین ریاکاری قرار گرفتن و خود را تابع و تایید کننده آن ساختن و این مهم ترین و بنیادین ترین وظیفه هر فردی است که می خواهد وارد جناح راست شود. «نظام نمادین ریاکاری» جایگاهی برای «دیگری» به جز «رعیت و برده تایید کننده» باقی نمی گذارد. «حق» یعنی چیزی که از اصالت برخوردار است و می تواند ریاکاران را رسوا کند و این همان چیزی است که تنفر سران جناح راست را برمی انگیزد. هر زمان که مردم بخواهند حق خود را مطالبه کنند (مانند دوم خرداد)، ناخواسته پرده های ریاکاری و تزویر را کنار زده اند. و این مایه وحشت و عذاب برای جناح راست است.

درست به همین دلیل است که جناح راست با هر تفکری که در آن مردم نقش و جایگاهی داشته باشند، از اساس مخالف است و هرگز نمی تواند خود را با آن سازگار سازد. مردم تنها می توانند و باید در نقش یک رعیت و بنده ظاهر شوند و انسان مفهومی است مرده که در روان آنان کوچکترین پژواکی ایجاد نمی کند! انسان یعنی بشر صاحب حق، یعنی آنکه آزاد است و این چیزی است که جناح راست هیچگاه به آن تن در نخواهد داد، چرا که با ذهنیش ناسازگار بوده و روانش را پریشان خواهد ساخت. مخالفت جناح راست با مردم سالاری و دموکراسی، مبنا و زیرساخت روانی دارد و بدین دلیل است که برای مطالعه و تحلیل جناح راست بیش از فیلسوفان سیاسی به روان شناسان، باستان شناسان و مردم شناسان نیاز داریم!

مردم سالاری دینی ادعایی شان، نه مردم سالاری است و نه دین در آن جایی دارد. آنان مردم و دین، هر دو را به بازی گرفته اند. مردم سالاری دینی جناح راست، از ریاکاری ریشه گرفته که تناقض حل ناشدنی بین این دو مفهوم تنها نمود ظاهری آن است.

نسبت جناح راست با دین یک نسبت منفی است، یعنی این جناح تنها می تواند کارکرد دین زدایی داشته باشد. بسیار مشکل است کسی به این جناح وارد شود و بتواند اعتقادات دینی خود را حفظ کند!

3. سطح بین خدا و بنده: مرزهای ریاکاری آنان، چنان گسترش یافته که برای تکمیل «نظام نمادین ریاکاری» لازم است اخلاص بنده در مقابل خدا دچار بازتعریف شود و در آنچه که پیشوایان دین در این مورد گفته اند تغییر صورت گیرد!

«اصل نظام» نیز ترفندي است که سران جناح راست براي حفظ ته مانده مشروعيت خود بدان متوسل مي شوند، مفهومي كلي و مبهم که تعيين و تعريف آن بر عهده جناح راست است. بدین ترتيب و در چارچوب گفتمان جناح راست «اصل نظام» متني باز و گشوده مي شود بر فراز همه متن ها (دين ، قانون اساسي و ...) که به دلخواه مي توان هر چيزي را بر آن تقرير کرد. اگر زماني «اصل نظام» يعني مصرف بيت المال در مسير انتخابات، امروز «اصل نظام» به معنای صرف بيت المال براي برج سازي و فردا يعني خرج صيغه ها را پرداختن !

يوسته این نظام نمادين رباکاري چنان سست و شکننده است که مشکل به نظر مي رسد آنان جز براي مدتي کوتاه بتوانند دنيا را به کام خویش بپيوند و در نهايت آنچه به دست خواهند آورد کامروايي کوتاه مدت و گذرا از دنيا در مقابل از دست دادن آخرت است، و این پایاني تراژيک و هولناک براي آنان است.

عباس کاکاوند

ديبر سابق واحد سياسي جامعه اسلامي مهندسين و نويسنده سابق روزنامه رسالت